



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۱۲/۱۷

عبدالقیوم میرزاده

## درنگی بر تلاشهای صلح امریکایی در قبال جنگ افغانستان



آنچه اخیراً از راه رسانه‌ها بیشتر از جانب امریکاییان و حمایت‌کنندگان غربی شان به گوش مردم ما رسانیده می‌شود در حقیقت از یک طرف چهره تمام‌نمای حکومت نا توان را که خود شان تا حدی که برای شان میسر بود به وسیله عمل‌درونی و بیرونی خویش آنرا بی‌ارزش و ناتوان ساختند رونمایی می‌کند و از جانب دیگر مردم ما و جهانیان را به مسخره می‌گیرند.

درست ۱۷ سال قبل از امروز در همین فصل "جورج دبلیو بوش" چهل و سومین رئیس‌جمهور ایالات متحده امریکا بسیار با قاطعیت اعلان کرد که طالبان نیروی حاکم‌آزمان افغانستان خود تروریست‌اند و هم حامی سازمان تروریستی القاعده که در رأس آن "اسامه بن لادن" قرار دارد میباشند و عمل تروریستی که باعث واژگونی برج‌های دوگانه نیویارک گردید بر اساس نقشه تروریستی آنها عملی گردیده است. و به این ترتیب با فرو ریختن برج‌های دوگانه نیویارک موصوف سریعاً فرمان حمله به تروریست‌ها را در خاک افغانستان از زمین و هوا صادر کرد که در اثر این حمله حکومت طالبان در کشور ما ساقط گردید. گرچه در همانزمان بعضی خبرگزاری‌ها اخبار انتقال مصون طالبان را بوسیله هلیکوپترها که گفته می‌شد مربوط قوای هوایی پاکستان است انتشار میدادند اما بنا بر استشاره ادارات کنترل‌کننده پشت‌پرده میدیای جهانی این اخبار مورد تفسیر و تدقیق ژورنالیستیک بیشتر قرار نگرفت.

در عوض طالبان با آنکه آقای زلمی خلیل‌زاد نماینده امریکا حکومت موقت را برای افغانستان در اجلاس بن دست و پا کرد اما ادارات استخبارات و نظامیان امریکایی که ماه‌ها قبل از فرو ریختن برج‌های دوگانه نیویارک مصروف فعل و انفعالات استخباراتی و نظامی برای جلب همکاری عده‌ای از قوماندانان تنظیم‌های جهادی خاصاً احمد شاه مسعود، منسوبین شورای نظار و سایر نیروهای اتحاد شمال بودند، با دادن رشوه‌های میلیون‌دلاری همکاری آنها را جلب و از طریق آنها در آستانه سقوط طالبان حدود یک میلیون نفر اعضای همان باند‌های تروریستی را که طی اندکی بیش از چهار سال حکومت مجاهدین همه هست و بود کشور ما را غارت کرده بودند و ده‌ها هزار انسان بیگناه وطن ما را به قتل رسانیده بودند با مجهزترین تجهیزات جنگی مسلح ساختند. یعنی اینکه امریکایی‌ها برای پیشبرد ستراتیژی‌های درازمدت شان در منطقه به زمان زیادتر نیازمند بودند به همین سبب طالبان را از روی صحنه به

پشت صحنه منتقل کردند ولی آنها (طالبان) در این مدت همیشه در محلاتیکه برای امریکایی ها حیثیت ستراتیژیک سیاسی - نظامی و استخراج معادن، تولید و ترانسپورت مواد مخدر را داشت حضور پر رنگ داشتند. گرچه سر و صدا هایی از گوشه و کنار کشور و لایه های حکومت بلند می شد که گویا چرا امریکا پاکستان را بنا بر حمایت شان از طالبان تحت فشار قرار نمی دهد ولی آنها ملتفت نیستند که سراسر این بازی به دست امریکاییان و شرکای منطقوی شان می باشد.

آنها خود با صرف میلیارد ها دالر در تیبانی با کشور های غربی و عربی مجاهدین را تربیه و تجهیز کردند که به وسیله آنها گلیم ثبات سیاسی و نظامی را از افغانستان بر چیدند و برای اهداف از قبل تعیین شده بی ثباتی بیشتر منطقه طالبان را رویکار آوردند و در همین راستا مجدداً آنها را به پشت صحنه منتقل ساختند و حالا هم یکبار دگر به احتمال بسیار زیاد تصمیم برین دارند تا طالبان را شریک قدرت ساخته و در همان حاشیه هایی که منافع ستراتیژیک شانرا تأمین می کند و تا کنون خود در آن حضور داشتند حاکم گردانند. زیرا بر اساس جمع و تفریق های ترامپ رئیس جمهور امریکا مصارف نظامی امریکا در استقرار و موجودیت قوت های امریکا در افغانستان برای پیسبرد اهداف ستراتیژیک شان بیشتر از آنست تا این اهداف را به وسیله نیرو های ریزرف بومی به پیش ببرند. به همین منظور طرح خصوصی سازی جنگ را در افغانستان مطرح کردند و کمپانی بلک واتر هم حاضر شد تا این مأمول را اجراء کند، که به عکس العمل شدید ملی و بین المللی مواجه گردید. همان بود که سر و کله آقای زلمی خلیل زاد به حیث مشاور وزارت امور خارجه امریکا برای تأمین صلح در افغانستان پیدا شد. او بسیار با شتاب مذاکراتی را با حکومت پاکستان، حکومت افغانستان و عده ای از رجال سیاسی و اراکین دولتی افغانستان انجام داد او همچنان بدون حتی موجودیت نمادین نمایندگان حکومت افغانستان با همان شتاب مذاکره با طالبان را آغاز کرد که اخبارش وسیعاً در رسانه های جهان منعکس گردید. در این گیر و دار آنچه بسیار برجسته می باشد همانا شخصیت سازی و مشروعیت دهی طالبان و همکاری بلا قید و شرط پاکستان می باشد که از یک طرف برای شجیع سازی طالبان مؤثر قرار گرفته است و از جانب دیگر پایه های لرزان حکومت را لرزان تر ساخته و مورال رزمی قوت های مسلح کشور را کاهش داده است. همچنان در این شتاب حوادث حلقه مفقود و منفعل حکومت افغانستان است که با وصف داشتن صف بلندی از متخصصین و سخنگویان هیچ تدابیر عملی را نشان نمی دهند که این مسئله میتواند باعث دلسردی و کاهش طرفدارانش در میان طیف های مختلف جامعه گردد. و همکاری بلا قید و شرط پاکستان در این پروسه بسیار سؤال بر انگیز جلوه میکند. زیرا از اوایل سال ۲۰۱۷ حکومت امریکا کمک های نقدی ۸۰۰ میلیون دالری سالانه اش را برای پاکستان قطع کرد و اخیراً همچنان کمک ۳۰۰ میلیون دالری اش را به پاکستان قطع کرد و ترامپ رئیس جمهور امریکا پاکستان را شریک غیر قابل اعتماد توصیف کرد. اما بعد از سفر مایک پمپئو وزیر خارجه امریکا به پاکستان و ملاقاتش با مقامات پاکستانی آنها بلافاصله به تاریخ ۲۵ اکتوبر سال جاری ملا عبدالغنی برادر که از چهره های سرشناس و کلیدی طالبان شمرده می شود و از هشت سال بدین سو در زندان پاکستان به سر می برد آزاد ساخت. موصوف در سال ۲۰۱۰ از جانب نیرو های امریکایی دستگیر و به نظامیان پاکستانی سپرده شده بود، در آن زمان گفته میشد که موصوف مذاکرات پنهانی را با حکومت افغانستان بخاطر قطع جنگ به پیش میبرد که دولت افغانستان این مذاکرات را برای تأمین صلح در کشور بسیار مؤثر می شمردند و به همین لحاظ بعد از زندانی شدن موصوف در همان سالها چندین بار هیأت های رسمی شامل نمایندگان وزارت های امور خارجه، دفاع، اداره امنیت

ملی و شورای عالی صلح افغانستان به پاکستان سفر کردند و پیشنهادات مشخصی را برای رهایی این ملا برادر با جانب پاکستانی مطرح کردند که هیچ ثمری را در قبال نداشت. چه شد که به یکباره پاکستانی ها در همکاری نزدیک با مقامات امریکایی قرار گرفتند؟

از اینجاست که میتوان به عمق این ماجرای شوم پی برد که این فعل و انفعالات برای کشور ما میمون نیست. زیرا همین خلیل زاد تهداب حکومتی را در افغانستان نهاد که جنگ را در کشور ما به ابعاد وسیعتر و نیرومند تر از قبل رهبری کرد. همچنان همین خلیل زاد عراق را به قطب بندی های بسیار عمیق قومی و مذهبی کشانیده و جنگ را در سراسر عراق مشتعل ساخت. طرح داعش سازی هم از مفکوره های ایشان میباشد.

پاکستان هر تباری که با امریکا دارد، طالبان هر نوع مذاکره را که با امریکایی ها انجام میدهد، آنچه معلوم است حلقه مفقود عناصر وطندوست، ملی و انانیکه درکی از منافع ملی کشور داشته باشند و در این برهه بسیار سرنوشت ساز کشور دست و آستین بالا بزنند با عکس العمل بسیار سریع و منطقی حکومتی را که بر اساس رأی مردم به میان آمده است کمک کنند تا از این حالت خمودی و انفعالی بر آمده و در پرتو منافع ملی کشور ما مذاکرات بسیار ارزشمند و شفاف را با پاکستان، امریکا، جمهوری اسلامی ایران، جمهوری فدراتیف روسیه، جمهوری خلق چین، کشور های آسیای میانه همگام و یا حتی سریع تر از روندی که امریکایی ها به پیش میبرند آماده سازند. زیرا از این فعل و انفعالات بوی ترفند های بسیار نا گوار به مشام می رسد.

در این لحظات سرنوشت ساز مار های آستین نیز در درون دستگاه دولت به استشاره بادران خارجی شان دارند از درون دستگاه حکومت را بیشتر از پیش بی ثبات تر می گردانند. به طور مثال با گرفتاری سردسته یک باند دزدان تبهکار و باغی چه غوغایی بر پا می کنند و کوتاه نظران که خود را روشنفکر، انقلابی و وطنپرست هم می پندارند فی البدیعه در ردیف قوم و مذهب قرار گرفته بدون سبک و سنگین کردن وضع کشور، منافع ملی و خواست همه مردم افغانستان به همچو مسایل صبغه قومی و مذهبی داده و انقطابات جامعه ما را عمیق و عمیقتر می گردانند.

پایان



تلاشهای صلح امریکایی در قبال جنگ افغانستان

[Mirzada\\_a\\_q\\_talaashhaye\\_solh\\_us\\_darqebaal\\_afgh.pdf](#)